

رساله حقوق

www.ketab.ir

آیت الله منتظری

سرشناسه : حسینعلی منتظری

عنوان و پدیدآور : رساله حقوق

مشخصات نشر : تهران، سرایی ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری : ۱۶۸ص. مصور.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۶۲-۴۸-۱

وضعیت فهرست نویسی : قیبا.

شماره ثبت/شناسی ملی : ۳۹۵۷۲۴۳

رساله حقوق

تالیف: آیت الله منتظری

نوبت چاپ: هشتم ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: صبا

چاپخانه: سهنند

بها: ۸۰۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر، محفوظ و مخصوص ناشر است و هرگونه کپی برداری و نقل مطالب بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد.

مرکز پخش: تهران میدان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان نظری شرقی، پلاک ۵۹، کدپستی ۱۳۱۴۷۶۴۹۶۱

www.mobtakeran.com

تلفن: ۶۱۰۹۴۱۵۵ دورنگار ۶۱۰۹۴۰۰۰

## ﴿ فهرست مطالب ﴾

۱۱	پیش گفتار.....
۱۳	مقدمه.....
۱۳	انسانی حق و موارد کاربرد آن.....
۱۳	نسب معنای حقیقی.....
۱۳	نسب معنای اعتباری.....
۱۴	رابطه سر و تکلیف.....
۱۶	منشأ حقوق.....
۱۸	نگرش متفاوت جهانبینی الهی و غیر الهی به انسان.....
۲۱	تلازم بین حکم عقل و حکم سر.....
۲۴	دینداری حق است یا تکلیف؟.....
۲۴	تراجم حقوق.....
۲۵	رابطه حق و احسان.....

### حقوق خداوند بر انسان

۲۷	الف- حق قرآن.....
۲۸	ب- حق پیامبر اکرم ﷺ و معصومین علیهم السلام.....
۲۹	ج- حق فرائض و سنن مهم الهی.....
۳۱	۱- «حق نماز».....
۳۱	۲- «حق حج».....

۳۱	۳- «حق روزه»
۳۲	۴- «حق صدقه»
۳۲	۵- «حق قربانی»
۳۲	۶- «حق مسجد»
۳۲	۷- «حق زیارت برادر مؤمن»
۳۳	ده نمونه دیگر از حقوق خداوند
۳۳	رابطه حقوق انسانها با حقوق الهی
۳۴	حقوق نسبت انسانی
۳۳	<b>مقدمه انسان بر خود</b>
۴۵	<b>حقوق متقابل انسانها نسبت به یکدیگر</b>
۴۵	۱- حقوق خانواده و بستگان
۴۹	۲- حقوق اجتماعی
۴۹	حق حیات مادی و معنوی
۵۲	حق آزادی اندیشه و بیان
۵۹	حق آزادی تغییر اندیشه
۶۵	حق کسب و کار و انتخاب مسکن
۶۶	حق بازنشستگی
۶۷	حق افراد مستضعف و مظلوم
۶۹	حق مبارزه با محرومیت
۶۹	حق ایثار و محرومیت
۷۱	حق تقدم
۷۲	۳- حقوق متقابل مردم و حکومت صالح

۷۵	قدرت و سوء استفاده از حق
۷۶	حق تعیین سرنوشت
۸۰	حق فعالیت سیاسی
۸۱	حق اطلاع و نظارت بر عملکرد حاکمیت
۸۵	حق استیفای فوری حقوق
۸۵	حق برخورد عادلانه
۸۸	حق مصونیت منتقدین از تعرض
۸۹	حق امنیت و زندگی شخصی
۹۱	حق آزادی بیان، بر عیوب و اسرار مردم
۹۲	حق سر و آذیت نسبت به لغزشها
۹۴	حق افشار ضعف و حق از قدرت
۹۵	حق دیدار خصوصی و آرن حاجب با حکام
۹۶	حقوق حاکمیت و کارگزاران
۹۷	حقوق عمومی مردم
۱۰۰	سه حق اساسی در کلام حضرت امیر
۱۰۱	حقوق اصناف مختلف
۱۰۱	۱- جنود خداوند (یعنی نیروهای مسلح)
۱۰۱	۲- کتاب و نویسندگان عمومی و خصوصی
۱۰۱	۳- قضات دادگستری
۱۰۱	۴- کارگزاران حکومت
۱۰۱	۵- مالیات دهندگان مردم
۱۰۲	۶- تجار و کسبه و صنعتگران
۱۰۲	۷- افشار ضعیف و پایین

- ۱۰۳ ..... حقوق بازداشت شدگان
- ۱۰۳ ..... ۱- زندان به عنوان حدّ
- ۱۰۳ ..... ۲- زندان به عنوان تعزیر
- ۱۰۳ ..... ۳- زندان اکتشافی
- ۱۰۷ ..... حق مدّعی
- ۱۰۷ ..... حق مدّعی علیه
- ۱۰۷ ..... حق دفاع در دادگاه
- ۱۰۹ ..... حق حاکم در دادگاه بی طرف
- ۱۱۰ ..... حق مساوات قضای
- ۱۱۴ ..... حق مساوات در برابر مال
- ۱۲۰ ..... ۴- حقوق فردی
- ۱۲۰ ..... حقوق متقابل استاد و شاگرد
- ۱۲۲ ..... حق دانشمندان
- ۱۲۳ ..... حق شریک
- ۱۲۴ ..... حق طلبکار
- ۱۲۴ ..... حق مشورت کننده
- ۱۲۵ ..... حق مشاور
- ۱۲۶ ..... حق نصیحت جو
- ۱۲۶ ..... حق نصیحت کننده
- ۱۲۷ ..... حق احسان کننده
- ۱۲۷ ..... حق بیمار
- ۱۲۸ ..... حق همسایه
- ۱۲۹ ..... حق همسفر

- ۱۲۹ ..... حق سائل
- ۱۳۰ ..... حق سالخورده
- ۱۳۱ ..... حق خردسال
- ۱۳۱ ..... حق معاشر
- ۱۳۲ ..... حق درگذشتگان
- ۱۳۲ ..... حقوق عمومی مسلمانان نسبت به یکدیگر
- ۱۳۵ ..... حق پرده‌پوشی عیوب
- ۱۳۵ ..... احکام ادای حق مؤمن

۱۳۷ ..... حقوق ملتها نسبت به یکدیگر

- ۱۴۲ ..... حق مصونیت دیپلماتها
- ۱۴۳ ..... حق اقلیت‌های مذهبی
- ۱۴۵ ..... حق اسیران
- ۱۵۰ ..... حق پناهندگی

۱۵۵ ..... حقوق متقابل بین انسان، طایر و حیوان

- ۱۵۶ ..... حقوق حیوانات

\* \* \*

- ۱۶۱ ..... کتابنامه
- ۱۶۵ ..... کتابهای منتشر شده فقیه عالیقدر آیت‌الله العظمی منتظری رحمته الله علیه

## پیش‌گفتار:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین

والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين

مسأله «حق» و به بارت دیگر «حقها» از مسائلی است که همواره در طول تاریخ بشر - بخصوص از سوی اندیشمندان و نویسندگان جوامع و مکاتب گوناگون حقوقی و ادیان مختلف الهی و غیرالهی - مطرح بوده، و منشأ اقسام و مصادیق و چگونگی استیفای آنها مورد بحث قرار می‌گرفته است.

در اسلام نیز که خاتم و اکمل ادیان الهی می‌باشد به مسأله حقوق توجه شده است. از سوی دیگر اهمیت و نقش آن در سعادت و هدایت فرد و جامعه و تحقق عدالت بر کسی پوشیده نیست.

از این رو اینجانب در رساله جدید توضیح المسائل که در سالهای اخیر با اصلاحات و اضافاتی منتشر شد بخشی از اقسام و مسائل حقوق را به آن ملحق نمودم؛ و لکن با توجه به اینکه یکی از مسائل مورد بحث و کنکاش در جامعه - به‌ویژه در عصر حاضر - حقوق و مسائل آن



از نظر اسلام می‌باشد؛ و متأسفانه از سوی برخی گرایشها تلاش می‌شود که دین اسلام را که دین رحمت است خشن و در تعارض با حقوق انسانها معرفی کنند، لذا تصمیم گرفته شد مسائل حقوق با توضیح بیشتری به عنوان رساله‌ای مستقل در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد؛ هر چند این مسائل به صورتی مختصر بیان شده و تفصیل بیشتری را می‌طلبد،<sup>(۱)</sup> ولی کثرت مشاغل و حال جسمی من مجالش از این نداده است. امید است فضلای و محققان - به‌ویژه پژوهشگران آشنا با علوم اسلامی - این مباحث را پیگیری کنند و معارف اصیل اسلام را به نحو شایسته شناسایی و معرفی نمایند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

۱۳ رجب المرجب ۱۴۲۵ - ۱۳۸۳/۶/۹

حاج علی منتظری

در این چاپ نکات جدیدی در راستای تأیید و توضیح و تکمیل مطالب کتاب در باورقی‌های آن اضافه گردیده است.

## مقدمه

### معانی حق و موارد کاربرد آن

«حق» از نظر لغت به معنای ثابت و موجود می‌باشد؛ و اصطلاحاً به دو معنی حقیقی و اعتباری که معنای لغوی در آنها ملحوظ گردیده است به کار می‌رود:

**الف - معنای حقیقی:** این معنا بدون فرض و اعتبار و قرارداد، ثبوت و تحقق دارد. در این معنی از حلال، رافع و آن چیزی که هست مورد توجه قرار گرفته است.

**ب - معنای اعتباری:** تحقق و ثبوت این معنا به اعتبار و وضع و قرارداد می‌باشد، و به عبارت دیگر حق به این معنا چیزی جز اعتبار و قرارداد نیست.

در این معنای حق، توجه به ارزش و آن چیزی است که باید باشد؛ اعم از اینکه فعلاً موجود باشد یا نباشد.

معنای حقیقی «حق» از نگاهی به سه قسم تقسیم می‌گردد:

**۱ - هستی و واقعیت عینی و خارجی اشیاء، خواه از نظر عقل و شرع الهی مطلوب و پسندیده باشد یا نباشد.**

۲- واقعیت و تحقق اشیاء که از نظر عقل و شرع مطلوب و پسندیده می‌باشد. حق به این معنا هم مصداق «حق» به معنای حقیقی، و هم مصداق «حق» به معنای اعتباری آن می‌باشد.

۳- مطلق قضایا و گزاره‌هایی که واقع عینی و خارجی با آنها مطابقت دارد؛ هم از قضایای ذهنی، لفظی و کتبی. یعنی هر اعتقاد و صورت ذهنی یا گفتار و نوشتاری که ما بازاء عینی و خارجی داشته باشد اگر مطابقت خارج و واقع با آن قضیه در نظر گرفته شود آن قضیه را «حق» می‌نامند؛ چنانچه در محال مطابقت آن قضیه با خارج و واقع آن قضیه را «صادق» می‌گویند.

### رابطه حق و تکلیف

آنچه در اینجا مورد نظر است حقوق اعتباری است که براساس وضع و قرارداد برای افراد اجتماع ثابت می‌گردد. نسبتاً قبلاً آن کسی که حق بر عهده اوست مکلف خواهد بود. بنابراین هر کسی که حقی برای کسی ثابت گردید حتماً تکلیفی را بر عهده دیگری به همراه خواهد داشت؛ و کسی که به نفع او حقوقی بر عهده دیگران اعتبار شده، مگر سواً دیگران نیز حقوقی بر عهده او دارند؛ بنابراین حق و تکلیف بین افراد متبادل و متلازم می‌باشد.

تنها در مورد خداوند متعال است که حق بدون تکلیف قابل فرض و قبول می‌باشد؛ یعنی او بر بندگان خود حقوقی دارد ولی در مقابل،

مکلف به کاری که مأمور به انجام آن باشد نیست.

در این رابطه حضرت امیر علیه السلام فرموده: «هیچ حقی برای کسی ثابت نمی‌شود مگر اینکه متقابلاً وظیفه‌ای بر دوش او گذاشته می‌شود. و هیچ وظیفه‌ای بر دوش کسی ثابت نمی‌شود مگر اینکه متقابلاً حقی برای او ثابت می‌گردد. و اگر به فرض برای کسی حقی ثابت باشد که در قبال آن وظیفه‌ای نداشته باشد، او تنها خداوند سبحان خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

البته نسبت به اندازه روی فضل و رحمت گسترده‌ای که دارد، نه تنها هیچ‌گاه فضل و رحمت خود را از بندگان دریغ نداشته بلکه آن را بر خود ضروری و لازم می‌شمارد. در قرآن کریم آمده است: «پروردگار شما رحمت را بر خود فرض کرده مکتوب نموده است.»<sup>(۲)</sup> تمام موارد پادشاهای الهی نیز از همین نمونه می‌باشد. و از همین نمونه است این آیه شریفه: «انصرت مؤمنین حق است بر ما.»<sup>(۳)</sup>

و اگر در تعبیرات فلاسفه و متکلمین آمده می‌شود که مثلاً عدل و لطف به بندگان بر خداوند واجب است و کار قبیح و ظلم بر او حرام می‌باشد، منظور آنان وجوب و حرمت اعتباری ما را است. حال آنکه نیست که کسی برای خداوند تکلیفی معین کرده باشد؛ بلکه وجوب و حرمت

۱- «لا یجری لأحدٍ إلا جری علیه و لا یجری علیه إلا جری له. و لو کان لأحدٍ أن یجری له و لا یجری علیه، لکان ذلك خالصاً لله سبحانه.» نهج البلاغه صبحی صالح و عبده، خطبه ۲۱۶.

۲- «كُتِبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ»؛ سوره انعام (۶)، آیه ۵۴.

۳- «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ سوره روم (۳۰)، آیه ۴۷.

حقیقی و تکوینی است. یعنی به یقین از خداوند تکویناً کار حسن و عدل صادر می‌شود و قطعاً کار قبیح از او صادر نخواهد شد؛ زیرا او عالم مطلق، قادر مطلق و حکیم مطلق است.

### منشأ حقوق

انسان دارای خواسته‌های ویژه خود می‌باشد که با توجه به اراده و اختیاری که ظرفیت در نهاد او قرار داده شده به نظر بدوی و ابتدایی می‌تواند آنها را در صورت صلاحتی خود به هرگونه دلخواه تحصیل نماید؛ ولی از آنجا که او نسبتاً موجودی مدنی و اجتماعی است، به عنوان جزئی از پیکر اجتماع بشری با جامعه انسانی عجین و آمیخته شده و زندگی فردی و اجتماعی او دو چهره‌ای است. کون حیات وی گردیده است؛ دو چهره‌ای که هر کدام ضرورت‌های خاصی را طلب می‌نماید. آنچه بیشتر در مقام اعتبار حقوق لازم است مورد استتار قرار گیرد توجه دو سویه به ضرورت‌های این دو چهره فردی و اجتماعی انسان می‌باشد. و این توجه دو سویه به نحو شایسته و چنان که باید ممکن نیست مگر اینکه منشأ پیدایش حقوق که براساس آن فردی دارای «حق» است گردد به خوبی شناسایی گردد.

در این رابطه مکاتب و گرایش‌های مختلفی وجود دارد که این مختصر گنجایش بیان و نقد آنها را ندارد. از یک سو نظریه حقوق طبیعی با رویکردهای مختلفی که در آن وجود دارد به تبیین خاستگاه

حقوق می‌پردازد، و از سوی دیگر مکتب حقوق قراردادی مبنای حقوق اساسی انسانها را براساس یک قرارداد فرضی میان آنان معرفی می‌کند، که البته تفسیرها و گرایش‌های متفاوتی نیز در بطن این نظریه وجود دارد؛<sup>(۱)</sup> همچنین نظریات دیگری نیز در این زمینه ارائه می‌گردد که با حق‌های انسانی چندان سازگار نیست.

مان‌گونه که بیان شد تبیین و نقد و بررسی هر یک از مکاتب فوق و شاخه‌ها، سرانجام آن مجال وسیع‌تری را می‌طلبد؛ اما به طور کلی باید دانست که بنیاد حقوق اساسی و بنیادین انسان، محصول ضرورتها و مقتضیات خاص اجتماعی و شرایط زمانی و مکانی نیست؛ چرا که این‌گونه حقوق - همچون حق تعیین سرنوشت، حق حیات، حق معیشت و زندگی سالم، حق آزادی اندیشه و بیان و حق امنیت فردی و اجتماعی - قبل از هر چیز حق‌هایی فطری هستند و لذا فی‌نفسه ثابت، غیر قابل سلب و ذاتی می‌باشند و انسان را به خاطر انسان بودنشان و به دلیل کرامت انسانی باید از آنها برخوردار باشند. اگر گونه‌ها ریشه در قانون‌گذاری یا اراده حکومت ندارند؛ بلکه ریشه در قدرت داشته و از بدیهیات عقل عملی به شمار می‌آیند و دیدگاه شریعت نیز نسبت به آنها نیز ارشادی است.

۱- از جمله طرفداران نظریه حقوق طبیعی در یونان قدیم، افلاطون و در قرن ۱۷ میلادی توماس هوبز و باروخ اسپینوزا می‌باشند؛ و نظریه حقوق قراردادی یا وضعی را ژان ژاک روسو در قرن ۱۸ میلادی اعلام نمود.